



کلیات اشعار عارف

جلد دوم : بیسوی

اثر - عارف علی صفائی (سکسری)

سرشناسه	: صفائی ، حمزه عارف . ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآورنده	: کلیات اشعار عارف / اثر حمزه عارف صفائی (سنگسری) ؛ ویراستار الهام صفائی ، فرزانه قنبرطلب
مشخصات نشر	: تهران : مؤلف ، ۱۳۹۱ -
مشخصات ظاهری	: ج . ۵ : ۱۴ × ۲۱ س م .
شابک	: ج ۲ : ۱ - ۹۲۰۳ - ۰۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸ -
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
مندرجات	: ج ۲ : مثنوی (چاپ اول : ۱۳۹۱)
موضوع	: شعر مذهبی - عرفانی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۳۴۲ / ۱۴۱ / ۸ / ۳۳۳۶ ک ۸ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۱ / ۶۲۱۸۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۸۴۹۶۵

عنوان : کلیات اشعار عارف / جلد دوم : مثنوی

نویسنده : حمزه عارف صفائی (سنگسری)

ناشر : مؤلف

ویراستار : الهام صفائی ، فرزانه قنبرطلب

مدیر اجرایی : فاطمه بهبودی

چاپ : دنیا

طرح جلد و نگارگر : مصطفی حداد

تایپ : فاطمه بهبودی (قنبرطلب)

نوبت چاپ اول : «چاپ اول ۱۳۹۲»

قطع : رقعی

شمارگان : ۵۰۰۰

شابک : ۱ - ۹۲۰۳ - ۰۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸ -

قیمت : ۴۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است .

فهرست مطالب

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
مقدمه	۱۵	لک الحمد یا ذا الجود والمجد والعلی	۳۴
جلد دوم: شوی: در کلیات اشعار	۱۹	کجاست مسکین ده جسم ما	۳۶
غافلان در برزخ خود دست و پا: بهشت آرزو	۲۱	معلم برد از سبک تاساء: بانجان روح	۳۷
ای خدا سوسی تو دارم البت: مناجات کتتم کتتم	۲۱	چونور دوست فرزند بکل ارض و سماء	۳۸
خلق الطائفه جز مرده خدا: زینب	۲۲	حرکه با توحید کردو آشنا	۳۹
محمد (ص) برگزیده ی خدا	۲۵	برده بردارم ز روی کارها: در خاقانه صنی	۴۰
حسن (ع) نمادید روی دلبر بار	۲۶	ای عاشقان از کربلا کویم سخن ما	۴۳
به سر بار امیر این آب دارا	۲۷	سین (ع) ای بزرگ آیت کبریا	۴۵
نقش تو آورد به دل رایحه ی سکنده را	۲۸	لاله باران است عرش کبریا	۴۹
خدا یا! خالقا! پروردگار!	۲۹	شغیدم ز نام خود اندر شباب: محمود محمود طلیشه (ع)	
نگین حلقه ی استیت زحرا (ع)	۳۰	ریاضت	۵۰
یا حسن (ع) ای نور چشم مرتضی (ع)	۳۲	چو بیسنامه پر شود از شراب	۵۱

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
دعای تورا کویم از راه حب: انتهای درویش	۵۲	شب یلدا و روز کیف و حال است	۷۶
بیت و بشت حرف است در لفظ عرب: نشان		مکو حدیث عشق جز به آن که اهل دل است	۷۷
دبندوی راه علی (ع)	۵۴	خدادانی چه باشد کف جسم است: سیر در مملکت	
مرا ایند ز اکرام علی (ع) راست	۵۵	وجود	۷۸
زمین و آسمان را آب رویرخت	۵۶	ایام ولادت حسین (ع) است	۷۹
کل بوستان نبی زینب (ع) است	۵۷	شب مولودشادین حسین (ع) است	۷۹
در تن من رموز راز خلقت است	۵۸	غنی اشب یقین روح الامین است	۸۲
خدایا سیدام دریای دد است	۵۹	ناله ای دل، دل عاشق غمین است	۸۵
باز مرا شور و کمر در سراسر است	۶۰	از سعادت باران شب حق صدایم کرده است	۸۶
بجده الله در محبوب باز است	۶۱	روز مولود علی (ع) شیر خدا است	۸۷
وجودم سرب سر محتاج عشق است	۶۳	به حروری علی (ع) موجود و محلاست	۸۹
دستی که کرد کشتای خلق است	۷۲	چشم تو چراغ آرزو هست: تشبیهات اعجاز و اباح	۹۰
خبر با تو اترجم از مالک است: (مکرمت علی (ع))		غنی سبکین بر دل من نشست	۹۱
یتیمان	۷۳	ای پسریک قید تو اصحاب تو ست	۹۳

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۱۷	علی (ع) خورشید سوزان ولایت	۹۵	ماه من باماه گردون روبه روست
۱۱۸	خدایا حرست شاه ولایت	۹۶	بدان اصحاب کهنف خود هفت وادست
۱۲۰	اربعینت قبول مولا باد		نفس انار که ترکیب از بدیست: سیر سلوک و علی مرائل
۱۲۰	نمیر و مردی کاو زنده کرد: در تفسیر جوانی	۹۷	نفسانی
۱۲۱	کلام دوست بوی دوست دارد	۱۰۱	شب شهادت سلطان دین حسین (ع) علیست
۱۲۲	شنیدم ز محمود علی شاه فرد	۱۰۳	بلی زندگی جز غم و درد نیست
۱۲۴	هر که چون سنگ استقامت کرد	۱۰۵	دو گل بود و درو زباغ بهشت
۱۲۴	فلک را خون ز راه دیده ریزد: در سقوط هواپیما	۱۰۶	شاعر سرخیل اهل معرفت
۱۲۶	عشق بانام علی (ع) آغاز شد	۱۰۷	گل قلب عالم به کد شکفت
۱۲۷	شنیدم که طاهر چه در نقطه شد: واقعه ی بلا طاهر بهمان		شنیدم ز پیرم صفائی که گفت: بروجردی (ع) در لباس
۱۲۸	دوش و دم ساکن بهمان شد	۱۱۰	رسول الله (ص)
۱۳۲	خدایا شهری به چون بهمان باشد: ز لاله ای شود بهم		هر کس از دیدار او شد در شکفت: دیدار یوسف از تفسیر
	کوهر و ستر طریقت ای ولد: در سرپوشی و اناسی پیران	۱۱۲	صنئی (ع)
۱۳۴		۱۱۴	توای بانوی مرد آثار خلقت

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
ای نور محمد دای محمد (ص)	۱۳۷	هریده که روی دلربا دید	۱۵۶
فاطمه باغ کلاب است خدامی داند	۱۳۹	سوالی نمودند از بایزید: ارشدست مادر	۱۵۷
کر سلطان رود سوی رخاغان کند: سعادت نصیب اوست شود	۱۴۰	شنیدم شب جمعه ای بایزید: فداکاری کرب	۱۵۹
عشق ملی کنز پی شمرست بود: حقایق عرفانی	۱۴۱	در کنار دجله روزی بایزید	۱۶۰
شادم که با من غم بود، غم کس و چه هم بود	۱۴۴	مژده به بهشت احمد (ص) رسید	۱۶۱
فاطمه (ص) انواری از یزدان بود	۱۴۵	مژده که میلاود محمد (ص) رسید	۱۶۱
تا که حر و دات در کمون بود	۱۴۷	ردم ایران که اهل بیستشید	۱۶۳
یکی از زمره مردان مست دین بود: تاثیر کعبه	۱۴۸	ریب (ص) ای معدن عشق و امید	۱۶۴
حر که را میل خم ابرو بود	۱۴۹	روز مکه بر راترم و سرور کنید	۱۶۵
شبی در بزم مادر علی (ص) بود: آتش و عشق علی (ص)	۱۵۰	دل شب بود هوا شیر و دانه	۱۶۵
حر زمانی نور علیشایی بود: بقطه ی نور علیشاه	۱۵۰	سایش تو را کویم ای کرده کار	۱۷۰
حرچه داری ریز بیرون از وجود: شرایط پرده در سلوک	۱۵۳	محمد (ص) رسول خداوند کار	۱۷۱
به نام خدایی که جان می دهد	۱۵۴	به کوروش و دختری می کرد اظهار: نتیجی غیر دیدن	۱۷۳
حر که که دلم زد و حر رنجید	۱۵۵	یا جانای علی (ص) را دار و رهبر	۱۷۴

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۷۸	به نام آن خدای دادگستر	۱۹۴	سه گل روییده اندرباغ احساس
۱۷۹	بلغ ای سرشته در گوش بشو: خدیبه	۱۹۵	غم و درد مراحق داندوبس
۱۸۱	به می مست که دما ابل بصر	۱۹۷	ای خداوند جهان مارا بخش
	شنیدم شبی شیخ ابل نغز: به بیداری رسیدن شیخ بهانی در	۱۹۸	بنوش حبت ولای علی (ع) توای درویش
۱۸۳	آیابی	۱۹۹	غرق بحرت گشته ام از موج عشق
۱۸۴	ای که از خدمت مادر شده دور: دیبایرستان	۱۹۹	بهست عاشورای ما شورای عشق
۱۸۵	حربهای را علانات نشور	۲۰۲	تانوشی باوه از مینای عشق
۱۸۶	در دلمان سک اگر دیدی کمر: کیفیت کار	۲۰۳	به تجار پیری گفت ای رفیق
۱۸۷	به وقت ریاضت شنیدم ز پیر: نثازی علم لدنی	۲۰۴	چون که در عین علی (ع) کردی عین
۱۸۸	چشم کشودم به تو بستم ز غیر	۲۰۵	تا قامت تو فاده در خاک
۱۹۰	دارم ای دلبر تر تا از تو باز	۲۰۶	معلم بود کوهری تاناک
	میریدی ز پیری فرون خواست راز: ارسال جبه ای که	۲۰۷	قرین کشم اکنون به پایان سال
۱۹۱	در آن موش بود	۲۰۸	عید یعنی عودت حال و مقال
۱۹۳	به نام خداوندانای راز	۲۰۸	یکی عالمی ابل فضل و کمال

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
عارفی از حاکمی کردی سوزال	۲۱۲	بیجا ناگاه سودای تو دارم	۲۲۸
از تجلی حق غروب جل	۲۱۳	تورا تا جای جان در سینه دارم	۲۲۹
کل یاس از روی رابست جل	۲۱۴	ای فاطمه ای سبزه ز کوارم	۲۳۰
ای به تولای تو جان مشغول	۲۱۵	زود هر چند بر فتنی ز برم	۲۳۲
ای تو را بر مقام رسول ^(ص)	۲۱۶	ای به وجود تو حرم محترم	۲۳۲
کرد از حیدر ^(ع) روایت آن کسبل	۲۱۸	ای خدا تو آگهی از جو حرم	۲۳۴
یا علی ^(ع) اشب غزا دار توام	۲۱۹	به آری کیوی دلبر اسیرم	۲۳۵
ای صفی من خاک دکاه توام	۲۲۰	ای نامیرانی غیرم	۲۳۷
از پی تحقیق آیه رفدام	۲۲۱	بیای بخند پیروزم غریزم	۲۳۹
من آن تنک درختی غریم غریم	۲۲۴	بی تو از راز حقیقت واقفم	۲۴۱
دون خانقایی بر نشستم	۲۲۵	ای خدای مهربان در ماه صوم	۲۴۳
شب قدر است وست از باد کشتم	۲۲۶	ای خدا شمر سار در گاهم	۲۴۳
سلام ماه به عارفان صاحب دم	۲۲۷	بیابا بر سرستی گذاریم	۲۴۶
سفر تا شهر عشق آغاز کردم	۲۲۷	خفته روز نیکو گردانیم	۲۴۷

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
باب تاریکی نه خبر می زنیم	۲۴۸	ای خدا از خوابان بیدار کن	۲۷۰
به من گفتی چو مجنونی به کویم	۲۴۸	خدا ای محرم راز دل من	۲۷۲
چو خردم با نیتم شوید یاران	۲۴۹	علی (ع) ای رازدار سینه ی من	۲۷۵
به قرآن در مولای فقیران	۲۵۱	از فتنه ی زمان حسن (ع) کشته غرق خون	۲۷۷
چه زیباست وقت کج خیزان	۲۵۲	بد عطار را عمر از صد فروز	۲۷۷
اندیشه ام چو بال کشید به گنگشان	۲۵۴	به نام خدای جهان آفرین	۲۷۹
ذکر من دیدار پیر است ای جوان	۲۵۶	در شناسایی حق اندر زمین	۲۷۹
کویم اکنون تابدانی ای جوان	۲۵۹	ای خدا ای خالق عرش و زمین	۲۸۱
علم ظاهر را به مکتب خاند خوان	۲۶۲	حضر صادق (ع) امام شیشین	۲۸۲
خدا را دو خاند است اندر جهان	۲۶۳	عاشق است و عشق را نشناسد او	۲۸۳
ای خدا ای روشنی بخش جهان	۲۶۶	نوشود اندر تحول جان تو	۲۸۶
می خواست تجلیات اعیان	۲۶۷	یارب یارب به کریمی تو	۲۸۶
صوم یعنی بر دو عالم بازدن	۲۶۸	هر عالم علی کو یان علی جو	۲۸۹
عشق یعنی عاشق و شیدا شدن	۲۶۹	هر چه بادا بادا شب با ده ریزم در کلو	۲۹۱

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۳۱۴	تو ای زینب (س) سرو پا افتخاری	۳۹۱	نعت الله ولی آن قطب راه
۳۱۶	خواست حق تا که کند جلوه گری	۳۹۳	به نام خداوند خورشید و ماه
۳۱۹	شنیدم شد میدی نزد پیری	۳۰۰	به کوی در میان جان من جا گرفته
۳۲۰	نکین حلقه ی مستان تو باشی	۳۰۲	خدا یا مرده ای را زندگی ده
۳۲۱	یکی طالبی در کمن ساکلی	۳۰۳	خداوند دلم را صیقلی ده
۳۲۲	ای که تویی مقصد و مقصود من یا علی (ع)	۳۰۴	سرو به بالای تو حیران شده
۳۲۳	ای الی الی به آه علی (ع)	۳۰۵	ای خدا ما را محترم آورده
۳۲۵	یکی مرد درویش روشنی	۳۰۷	تا نمودم رو به سوی خاطر (س)
۳۲۷	یارب تو مرا به روی لیلی	۳۰۸	بهار آمد بهاری شادمانه
۳۲۷	تو خود نیلوفر نزار زانی	۳۰۹	تمام کار و بارت آفتابی
۳۲۸	تو ای بانوی پان آسمانی	۳۱۰	سکون مبر که تو از جان من جدا گشتی
۳۳۱	کر تو با فضل خدا و انا شوی	۳۱۱	میان جان من ناواگرفتی
۳۳۲	به غربت اوقادم من کجایی؟	۳۱۲	دیشب به باینست نشستم خواب بودی
۳۳۵	تقدیر و محشر	۳۱۳	ای که ماه رمضان را به ریاضت بودی

www.ketab.ir

به نام خدا

قال الله تعالى في كتابه:

«الَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ
فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَ يُصْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ...»

«آیندیدی چگونه خداوند کلمه‌ی طیبیه و کلمه‌ی پاکیزه را بر درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه‌ی آن
بر زمین ثابت و شاخه‌ی آن در آسمان است هر زمان میوه‌ی خود را به افون پروردگاری دهد و
خداوند برای مردم مثل‌هایی زند تا یاد بگیرند».

نخارش مقدمه‌ی کتاب ثنوی بهانه‌ای شد تا بار دیگر متوجی در دیای وجود عارف عاشق از طریق
اشعاری نفرو ناب در قالب ثنوی بارواج آئین‌های و توحید و یگانه پرستی بیایم و از کلام
کعبه‌بارش در مضمون پر بهانی را به سائل طلب و تمنا آوریم. و از بهای ارزشمند عرفان اسلامی در
هر قالب و تشبیه‌ی می‌تواند برای مخاطبان و پژوهشگران وادی معرفت قابل استفاده باشد.

لذا جوشن تبلور وجودی عاشق، تمنّان سر منزل عشق محبوب را سیراب می‌کند و شیوه و سیره‌ی فریختگان و اهل نخلارش حکایات و تمثیلات از قالب مثنوی تأثیر گذار بوده و این کار خود سنت حسنه‌ای است که از زرفای وجودی عاشق پدیدار می‌شود. این امر به منظره‌ی دارویی شفا بخش و علاج درد قلوب و تمنّان است و مصداق آیه‌ی: «عَلِّمُوا النَّاسَ بِغَيْرِ السَّنَتِکُمْ».

قطعا فرهنگ سازی در شیوه‌ی شریاری یک شبه حاصل نمی‌شود زیرا پدیداری اش از ادبستان تقوی و علم و تهذیب و تعهد بر می‌خیزد. اشعار نکور با ظاهری بی‌پیرایه به شدت قرآنی آمیخته شده و مملو از آموزه‌های سازنده‌ی عرفانی است. کتاب حاضر به قلم پیر و پدر فرزانه ام به نخلارش درآمده است. ایشان باران‌های اشعار خود در قالب داستان و حکایات، مناجات نامه‌ها، توسل به ذوات مقدسه‌ی ائمه‌ی اطهار^(ع) و اشاره به سیر سلوک در قوس صعود مائده‌ی وحدت وجود و تجلی معبود مخاطب را از سمت سویی زمینی به صوب ملکوت اعلا سوق می‌دهد. شاعر با شیوه‌ای رندانه مطالب قاصص خود شناسی را به منصفه‌ی ظهور رسانیده و مخاطب خود را از طریق و راه آگاه می‌سازد بدین سبب یکنونه اشعار از آسیب زوال در امان است. اومی گوید:

۲- طلی^(ع): «فرمود خیر و خوبی را با غیر زبان به مردم بیاموزید و دعوتان به وسیله‌ی گل باشد.

مرا با روی تو عالم بهشت است	تو کوی عشق رویت سرنوشت است
خدا اندر کمونم چون برانگینست	ز خاک کوی توجان مرا یخست
مرا تقاش با یادت کشیده	ز خونی کز بن قلم چکیده
کلم را با کل رویت سرشتند	به صدر سینه نامت را نوشتند
خدا روز ازل دیوانم کرد	به کرد شع تو پروانه ام کرد
چو با دست ید الهی کلم ریخت	شرابی از محبت در دلم ریخت

نمست بر عارفان) اسرار باشد

که شاید بلوئی دیدار باشد

همانگونه که در ایات فوق مشهود است فضایل و مکارم اخلاقی و شریعی است این پدیده برتر شد
سالک را در زمینه معنویت، مراقبه و محاسبه احوال، آرامش باطنی، خوش خلقی، نشاط و شادی و
اعتدال میثاقی کند عارفان راه عشق و وود را برگزینند و از این اندوخته ای کرانها چه نیک بهره
جستند و اندیشه های کران سنگ عرفانی قرآنی و اسلامی را به صورت آثار و به شکل مجموعه ای زیبا

ارائه می دهند. عرفان بامعنای اصلیش نسبت به تصوف و حکمت برآمده از معرفت و پارسیانی است.

امید است بتوسل به حضرت حق بتوانیم از شهد این حقیقت که بندگی حق بجزانۀ تعالی و معرفت به نفس است برخوردار گردیم.

والسلام

الهام صفائی - پائیز ۹۱

www.ketab.ir